

روزگار بهانه‌ها را در راه فوجید



سال اول - شماره‌ی ششم - اول اذر ۸۳



فرارسیدن دهه‌ی مبارک فجر و عید غدیر خم بر همگان مبارک باد

رایانا از این به بعد با جوایز نفیس



## آنچه در این شماره می‌خوانید

- ۳ نصاب یک بابا بزرگ سومی \_\_\_\_\_
- ۴ نانو تکنولوژی چیست؟ \_\_\_\_\_
- ۶ مصاحبه‌ای با مسؤول مسابقات بجم امسال \_\_\_\_\_
- ۷ مراقب دست‌ها و انگشتان خود باشید \_\_\_\_\_
- ۸ دستگاه‌های مختصات در کیوبیسیک \_\_\_\_\_
- ۱۰ اندر پردازش تصاویر \_\_\_\_\_
- ۱۲ پارتیشن بندی \_\_\_\_\_
- ۱۴ بابا ویروس، دمتون گرم \_\_\_\_\_
- ۱۶ یه بز مثل گوسفند مدام نمی‌خوره! \_\_\_\_\_
- ۱۷ معرفی نرم‌افزار \_\_\_\_\_
- ۱۸ گزارش کارسوق نجوم \_\_\_\_\_
- ۲۰ اخبار کامپیوتری مدرسه \_\_\_\_\_
- ۲۶ جدول \_\_\_\_\_

## ترانه

### دیوانه‌ام، دیوانه‌ام

- من از خم ابروی او دیوانه‌ام، دیوانه‌ام
- رویش بود homepage آن رایانه‌ام، رایانه‌ام
- این زیبای من جامی پر از گلگون بود
- Server بود ساقی و من مست می و پیمان‌ام
- من عشق دات‌کام می‌روم، دنبال جانان می‌روم
- Google بود پیر مغان، yahoo بود کاشانه‌ام
- وقتی proxy می‌دهد، جام می‌ام پر خون شود
- من با جهان در هجر او، بیگانه‌ام بیگانه‌ام
- من در ره گیسوی او، خار مغیلان دیده‌ام
- رایانه چون شمع است و من بر گرد آن پروانه‌ام
- Mail ات برایم می‌بود، جانا نصیبم کی بود؟
- من از سحر تا بوق سگ، پشت در میخانه‌ام
- ای شمس بین حال مرا، برخیز و گو فال مرا
- ناگفته می‌دانم که من، دیوانه‌ام دیوانه‌ام

## سر مقاله

سلام.

← این شماره اتفاق خاصی نیفتاده و قرار نیست که بیفتد که بخوام درباره‌ش حرف بزنم. فقط به اتفاق ممکنه بیفته و اونم تعطیل شدن و به گل نشستن این مجله است. که اگر وضع مجله بخواد همین جور پیش بره (و دومی‌ها کار رو دستشون بگیرن) به زودی این اتفاق می‌افته. حالا می‌خوام تاریخچه‌ی رایانا رو براتون تعریف کنم تا بلکه شاید به کمی از شور و شوق ما عبرت بگیرید. ما وقتی دومی بودیم قرار شده بود تا هر چند نفر از بچه‌ها که دلشون خواست در مورد موضوعی مطلب در بیارن و روی یه قسمتی از برد پایه بزنن. من هم این فکر به ذهنم افتاد تا در مورد کامپیوتر یه برد بزنم. این شد که یه روز زیر مشق‌های کامپیوترم این موضوع رو به آقای جهانگیر خبر دادم و ایشون هم برای من نوشتن که زود بهشون مراجعه کنم و به من گفتن که بهتره مثل ۴ سال پیش بیایم و یه مجله بزنیم. از طرفی دیگه یه روز آقای نبی‌زاده رو تو راهرو دیدم و ایشون هم برای کار اظهار آمادگی کردند. بعد از اونم برای شروع کار لحظه شماری می‌کردم تا بالاخره بعد از عید اولین جلسهی رایانا برگزار شد (و من هم با احتساب ۹۸/۲ درصد سردبیر شدم!) و به این ترتیب با تلاش و کوشش همگی شماری اول مجله در اول اردیبهشت ماه زیر چاپ رفت. از اون موقع به بعد هم کار را ادامه دادیم. من هم در درس و مشقم احساس مشکلی پیدا نکردم و خیلی از روزها بود که بچه‌ها تا ساعت ۶ اینظورها مدرسه می‌موندن و برا رایانا کار می‌کردن. من هم که همیشه راس ساعت ۹/۵ شب با خطکش آقای عباسی به بیرون مدرسه پرتاب می‌شدم! ولی فردا صبح‌شم هیچ کدوم از ما احساس خستگی یا ضعف از درس‌ها نمی‌کردیم. فقط علاقه داشتیم. کار بیهوده‌ای هم نمی‌کردیم چون مجله در آوردن جز این‌که آدم ازش خوشش می‌اومد، هر روز هم به اطلاعاتمون اضافه می‌کرد. ما اول کار چیزی بلد نبودیم ولی کم‌کم جلو رفتیم و الان هم کار به جایی کشیده که خودمون بدون کمک هیچ کس تونستیم مجله رو در بیاریم. به قول آقای نبی‌زاده کارهای فوق برنامه بیشتر از کارهای درسی به درد آدم می‌خورن. اگر هم شما بیایید و برا رایانا کار کنید، مطمئن باشید که پشیمون نمی‌شید. همچنین من از اولی‌ها هم دعوت می‌کنم تا بیان و کار کنن.

← یه موضوع دیگه هم می‌مونه و اونم اینه که وقتی یه مجله رو می‌خرید یه مقدار هم در مواظبت و نگهداری (و همچنین خواندن آن) بکوشید. خیلی زیاد هم نمی‌خواد بکوشید، فقط مجله رو روی زمین یا پشت تلفن مدرسه و ... نینیم.

← یه خبر خوبم بدم: قراره به زودی بخش جایزه‌دهی مجله هم راه بیفته و از این به بعد ما جوایز نفیس (از قبیل سی‌دی و ...) هم داشته باشیم. پس بجنبید و جدول این شماره رو تند حل کنید و به ما بدید.

← از دوستانم که باز هم با تلاششون یه مجله‌ی دیگه هم در آوردن تشکر می‌کنم (و همچنین از معلم‌ها، پس تا شماره‌ی بعد فعلاً خداحافظ.

سردبیر

Email: siavash\_azargoshab70@yahoo.com

اشاره: متن زیر نامه‌ای است که یکی از عزیزان سومی و عضو سابق هیأت تحریریه‌ی رایانا، به آقای جهانگیر داده است. جناب مشاور به جای صفحه‌ی مشاورنامه این شماره، همین نامه را به ما دادند تا چاپ کنیم.

## ← نوشته‌ی: یه پیرمرد سومی (م.ن.م)

این دفعه می‌خوام بدون رو در بایستی و تعارف برم سر اصل مطلب. آخر یک مدتی است که بچه‌ها خیلی کاراشون رو شل گرفتن. روی صحبت من با جیغیل‌ها یعنی همون اولی‌ها و دومی‌هاست. آخر مرام علامه‌حلی‌ایتون کجا رفته؟ می‌دونید الان رایانا تو چه وضعی داره منتشر می‌شه؟ کارها خیلی تیکه تیکه شده و هیچ کی خوب کار نمی‌کنه. آخر بابا دست مریزاد، این سومی‌های بیچاره که نمی‌تونن با این درس‌های سنگین امسالشون همه وقتشون رو بذارن روی رایانا و شما هم همین طور برید رایانا بخرید و بخونید. حالا تا آخر ترم اول می‌تونستن بچسبن به کار رایانا، ولی حالا که دیگه ترم دوم شده و آقای سعیدی‌نیا براشون برنامه‌هایی چیده که اگر بفهمید به حالشون گریه می‌کنید (قابل توجه سومی‌های سال آینده!). الان رایانا افتاده تو یه سرازیری که آخرش تعطیلی دوباره مجله‌اس (حتماً فلسفه و تاریخچه رایانا رو تا حالا شنیدید). ما باید دوباره برای رایانا یه راننده خوب و بامسئولیت پیدا کنیم تا به روزهای اوج خودش برگرده. راستش واقعاً نمی‌دونم دلیل اینکه دومی‌های امسال زیاد علاقه‌ای به رایانا و کار در اون نشون نمی‌دن چیه ولی نظر من اینه که بچه‌های دومی هنوز مثل دومی‌های پارسال با خون‌دل و این در و اون در زدن کار رو شروع نکردن و قدر زحمات رو نمی‌دونن بلکه مجله رو در اوج خودش دارن تحویل می‌گیرن و هنوز مزه نوشتن مقاله توی رایانا و موندن توی مدرسه تا ساعت ۹ یا ۱۰ شب رو نچشیدن و نمی‌دونن که چه کیفی می‌ده وقتی تا ساعت ۹ توی سایت مشغول درآوردن شماره‌ی جدید باشی و گذشت زمان رو نفهمی و وقتی که همه چیز آماده می‌شه ساعت ۹ است و چاپش می‌افته برای فردا و تو رو به زور خط‌کش آهنی آقای عباسی (آخ ... هنوز می‌تونم دردش رو حس کنم) بیرون می‌کنن. من که خودم تا حالا چند بار این طعم دلچسب رو چشیدم، حاضر نیستم حتی یک لحظه از اونو با هیچ چیز توی دنیا عوض کنم. چند روز پیش که با سردبیر عزیز رایانا در مورد همین موضوع صحبت می‌کردم، خیلی از دستتون دلخور بود و می‌گفت که: «من وقتی سردبیر شدم اینقدر خوشحال بودم و ذوق و شوق داشتم که همیشه از درسم می‌زدم و به کار رایانا می‌رسیدم ولی نمی‌دونم چرا امسال بچه‌ها اینجوری هستن! به خدا خیلی شاهکارن.» پس بیایید و مرام بگذارید و کار رایانا رو از دست ما سومی‌ها بگیرید و با پشتکار خودتون خستگی شش شماره رایانا رو از تنمون به در کنین.

## ← نوشته‌ی: آقای خوشنویس<sup>۱</sup>



فرض کنید که یک جعبه آجرهای ساختمان‌سازی در اختیار دارید، مثل این: و می‌خواهید با آنها یک دیوار به ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر بسازید. برای ساختن دیوار چند راه مختلف دارید:

اول: می‌توانید آجرها را همین طوری روی هم بریزید تا یک کوه ۱۰ سانتی‌متری درست شود. در این حالت دیوار شما کاملاً بی‌نظم و غیر یکنواخت است. مثلاً ضخامت دیوار در قسمت‌های پایینی خیلی بیشتر از قسمت‌های بالایی است.

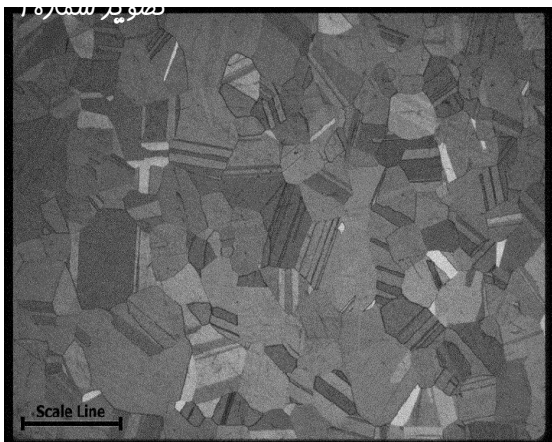
دوم: ممکن است کمی حوصله کنید و آجرها را به هم متصل کنید. مثلاً قطعاتی در حدود جعبه کبریت بسازید و بعد این قطعات را همین طور روی هم بریزید تا یک کوه ۱۰ سانتی‌متری درست شود. این بار هم دیوار شما بی‌نظم و غیر یکنواخت خواهد بود؛ اما از دیوار قبلی منظم‌تر و قدری هم خوش‌قیافه‌تر خواهد بود.

سوم: اگر آدم صبور و باحوصله‌ای باشید، قشنگ می‌نشینید و مثل بچه آدم آجرها را به هم متصل می‌کنید تا یک مستطیل از آجرها به ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر بسازید. این دیوار کاملاً یکدست و منظم خواهد بود. مثلاً اگر از وسط آن را بشکنید، هرکدام از نصفه دیوارها به همان شکل دیوار اولیه باقی خواهند ماند.

حالا در ذهنتان از بغل به این سه دیواری که ساخته‌اید نگاه کنید و از هرکدام یک عکس بگیرید. بعد به تصویر شماره یک نگاه کنید. به نظر شما این تصویر شبیه کدام یک از دیوارها است؟

فکر می‌کنم با من موافقید که دیوار دوم از همه به تصویر شماره یک شبیه‌تر است. حتماً می‌پرسید که این تصویر چیست؟ باید بگویم که تصویر شماره یک، عکس واقعی سطح یک میله مسی

کاملاً صیقل داده شده در زیر میکروسکوپ است. اگر شما هم سطح یک فلز



<sup>۱</sup> آقای خوشنویس مسوول گروه نانو تکنولوژی بنیاد توسعه فردا و مدیر محتوای علمی سایت [www.nanoclub.ir](http://www.nanoclub.ir) می باشد که این سایت مخصوص آموزش نانو تکنولوژی به نوجوانان است. ایشان فارغ التحصیل علامه حلی هستند.

را خوب صیقل دهید و بعد آن را به خوبی بشوید، زیر میکروسکوپ چنین تصویری را خواهید دید (البته نه به این وضوح). به هر کدام از چند ضلعی‌های تصویر، یک «دانه» می‌گوییم. هر دانه در واقع مجموعه‌ای از هزاران اتم فلز است که به طرز مشابهی کنار هم قرار گرفته‌اند. هر کدام از این اتم‌ها قطری در حدود «یک نانومتر» یعنی یک میلیاردیم متر دارند.

خوب، حالا بگذارید که تشابه بین دیوارهای شما و سطح فلز را بررسی کنیم: آجرهای ساختمان‌سازی مانند اتم‌ها هستند و قطعات به اندازه جعبه کبریت در دیوار دوم هم مانند دانه‌ها. در واقع اتم‌های درون یک دانه مانند آجرهای یک قطعه به هم متصل شده‌اند. اما دیوار سوم شبیه چیست؟

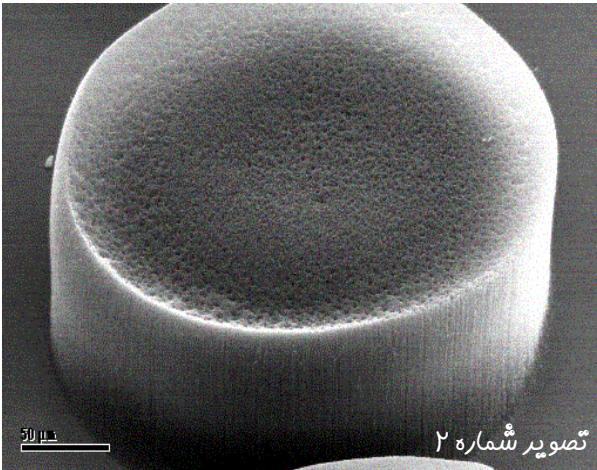
از یک نظر می‌توان گفت که دیوار سوم شبیه یک تصویر بزرگ از درون یکی از دانه‌ها است. اما آیا در عمل می‌توانیم فلزی داشته باشیم که همه اتم‌های آن مانند دیوار سوم به شکل منظم به هم متصل شده باشند؟ یعنی مثلاً همه سطح فلز یکدست باشد و این قدر تکه تکه و نامنظم نباشد؟

باید گفت که تا چند سال پیش نه تنها هیچ فلزی بلکه هیچ ماده‌ای وجود نداشت که در ابعاد بزرگ، حتی مثلاً در ابعاد چند میلی‌متر در چند میلی‌متر، یکدست و منظم باشد. فکر می‌کنید چرا؟

دلیلش این است که ما انسان‌ها در بیشتر مواقع، وقتی می‌خواهیم یک جسم جدید بسازیم، آن را به روش ساختن دیوار اول درست می‌کنیم. مثلاً روش ساختن یک قطعه فلزی را شاید در تلویزیون دیده باشید و یا در کتابی خوانده باشید: ابتدا فلز را ذوب می‌کنیم و بعد به وسیله ظرف‌های مخصوصی مذاب فلز را در قالب قطعه می‌ریزیم. این کار کاملاً مانند ساختن دیوار به روش اول است؛ کاملاً کیلویی!

حتی همان دانه‌هایی هم که در تصویر ۱ دیدید، به صورت کاملاً طبیعی و بدون دخالت انسان ایجاد می‌شوند و ما در اکثر روش‌های معمول ساختن چیزها، توانایی نظم دادن و یا شکل دادن به اتم‌ها در ابعاد کوچک را نداریم.

اما در چند سال گذشته روش‌هایی ابداع شده‌اند که به ما اجازه می‌دهند که اتم‌ها و مولکول‌ها (آجرها) را به طور منظم و دلخواه خودمان به هم متصل کنیم. دانشمندان نام این روش‌های جدید را «نانوتکنولوژی» گذارده‌اند و در فارسی به آن «ریز فناوری»



تصویر شماره ۲

می‌گوییم. مثلاً به تصویر شماره ۲ توجه کنید:

شاید در ابتدا، شکل، یک میله توپر به نظر برسد، اما در واقع این میله که قطر آن در حدود  $0.3$  میلی‌متر است از هزاران رشته ایستاده کربن تشکیل شده که قطر هر کدام در حدود چند نانومتر است. این دسته رشته‌های منظم و یکسان برای اولین بار در حدود ۸ سال پیش ساخته شدند و خواص و قابلیت‌های حیرت‌آور و متعددی دارند.

شاید بپرسید که چرا اسم این روش‌های جدید را نانوتکنولوژی گذاشته‌ایم؟ جواب این است: برای آن که اتم‌ها و مولکول‌ها ابعادی در حدود نانومتر دارند(!).

همان طور که می‌دانید خواص مواد بستگی به نوع اتم‌های تشکیل دهنده آنها و نوع اتصال این اتم‌ها به هم دارد. بنابراین اگر بتوانیم این اتم‌ها را به شکل مورد نظر خودمان به هم متصل کنیم، خواهیم توانست مواد جدیدی با خواص و توانایی‌های مورد نظرمان بسازیم؛ این کار، مهم‌ترین هدف در نانوتکنولوژی است. مثلاً می‌توانیم ماده‌ای بسازیم که هم خیلی محکم باشد و هم خیلی سبک و یا مثلاً در ابعاد بزرگ نیز یکدست و منظم باشد.

## مصاحبه‌ای با مسؤول مسابقات ب.ب.م امسال (آقای سیاحتگر)

### ← مصاحبه کننده: سیاوش آذرکوشب

◀ سوال ۱ - تاریخچه‌ای از مسابقات ب.ب.م را بیان بفرمایید.

● مسابقات ب.ب.م از حدود سال ۱۳۷۰ آغاز شده و تاکنون ادامه دارد و شیوه‌ی این مسابقات نیز از تولد تاکنون تغییر خاصی نکرده است.

◀ سوال ۲ - به نظر شما ب.ب.م امسال با سال‌های پیش چه فرقی کرده و ویژگی‌های ب.ب.م امسال چیست؟

● اول این که علاقه‌مندی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم و سوم به شرکت در ب.ب.م نسبت به سال‌های پیش افزایش پیدا کرده. همچنین امسال موضوعاتی اعلام شده که انتخاب آنها امتیاز دارد که ریشه‌ی این ایده از سخنرانی رمزنگاری آقای نبی‌زاده در حلقه‌ی مطالعات کامپیوتر بوده است. موضوع از این قرار بود که آقای نبی‌زاده در آن سخنرانی چند تا پروژه اعلام کردند و گفتند هر کی اینا رو برا ب.ب.م بنویسه خوبه. بعدشم ... همچنین برای تشویق بچه‌های سومی درس‌هایی که خوندن رو به عنوان پروژه‌های پیشنهادی ب.ب.م مطرح کردیم.

◀ سوال ۳ - در مورد جوایز این دوره از مسابقات صحبت بفرمایید.

● جایزه این دوره از مسابقات خیلی خوب و ماندگار است.

◀ سوال ۴ - خودتون هم آیا در ب.ب.م شرکت کرده‌اید؟

● نه. ولی یکی از دوستانم که شرکت کرده‌بودند با برنامه‌ی نمایش الکترون‌ها دور مرکز اتم اول شدند.

◀ سوال ۵ - اگر حرفی، چیزی، میزی، توصیه‌ای دارید بگویید.

● توصیه‌ی من این است که بچه‌ها حتماً شرکت کنند چون جایزه‌اش خیلی خوب است و وقتی بزرگ شوند خاطره‌ی خوبی در ذهنشان به جای می‌گذارد.

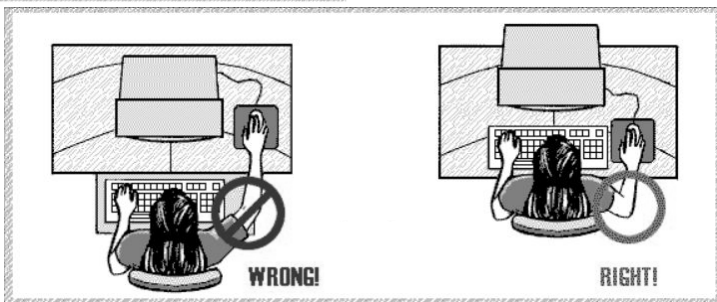
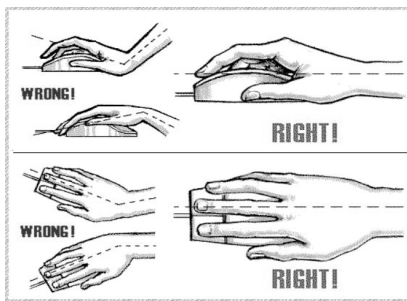
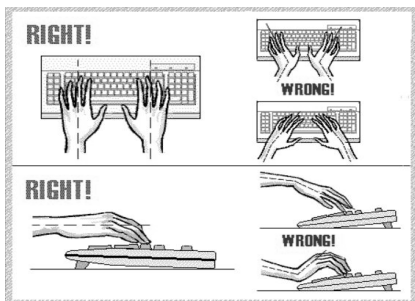
بهداشت کار - ۱

این شماره: مراقب دستها و انگشتان خود باشید.

اشاره: بنا به تذکر و درخواست تنی پند از والدین دلسور در جلسهی دیدار با اولیاء، خانوم دکتر لطف کردند و قبول زحمت کردند تا از این شماره سلسله مقالات آموزنده و سودمندشان را برای شما منتشر کنیم.

اولین چیزی که هنگام شروع به استفاده از وسایل، بخصوص وسایل برقی و الکترونیکی، باید توجه شما را به خود جلب نماید، رعایت نکات ایمنی می باشد. اگرچه کامپیوترها جزء فناوری های کم خطر به شمار می روند، اما این دلیل نمی شود که از خطرات آنها غافل شده و ندانید که چگونه باید از آنها به طور صحیح استفاده کنید.

یکی از این خطرات، صدمات ناشی از وضعیّت غلط دستها و انگشتها در هنگام کار با دستگاه می باشد. استفاده مداوم از موشواره و صفحه کلید موجب آسیب بر روی انگشتان دست، دستها، مچ دست، آرنج و گردن می شود. بهترین راه برای اجتناب از این آسیبها این است که هر ۱۵ الی ۲۰ دقیقه یک بار دست از کار بکشید و اجازه دهید ماهیچه های شما استراحت کنند. در ضمن شکل های زیر طرز صحیح و مناسب قرار گرفتن انگشتان بر روی صفحه کلید و موشواره، هنگام کار با کامپیوتر را نشان می دهند.





## این شماره: دستگاه‌های مختصات در کیو بیسیک

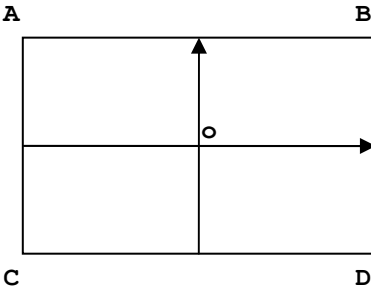
← نوشته‌ی: آقای شهشپانی

همان طور که می‌دانید در حالت گرافیکی Screen 12 در بیسیک، صفحه نمایش دارای ۶۴۰ نقطه در طول و ۴۸۰ نقطه در عرض می‌باشد. شکل زیر، این دستگاه مختصات را نشان می‌دهد.



- A : (0, 0)
- B : (639, 0)
- C : (0, 479)
- D : (639, 479)

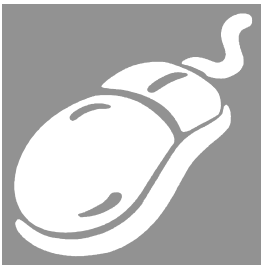
نکته قابل توجه در این دستگاه مختصات، رو به پایین بودن محور عمودی آن است. حال دستگاه مختصات زیر را در نظر می‌گیریم.



- A : (-32, 24)
- B : (32, 24)
- C : (-32, -24)
- D : (32, -24)
- O : (0, 0)

در این دستگاه، مبدأ مختصات در مرکز صفحه قرار دارد و محور عمودی در جهت بالا می‌باشد. برای ایجاد چنین دستگاه مختصات در بیسیک، از دستور window استفاده می‌کنیم. مثلاً دستور زیر، دستگاه مختصات شکل بالا را می‌سازد:

WINDOW (-32,-24)-(32,24)



یعنی باید مختصات نقطه‌های C و B را در مقابل دستور window بنویسیم. البته این دستور، محورها را رسم نمی‌کند، بلکه حالتی را ایجاد می‌کند که اگر بنویسیم pset(0,0) یک نقطه در مرکز صفحه رسم خواهد شد و pset(-32,24) یک نقطه در گوشه بالا-چپ صفحه رسم



خواهد کرد (نقطه A).

مثال : برنامه زیر یک مربع رسم می کند که تمام صفحه نمایش را می پوشاند:

```
SCREEN 12
WINDOW (-32,-24)-(32,24)
LINE (-32,-24)-(32,24), , BF
```

سوال : برنامه زیر چه چیزی رسم می کند؟

```
SCREEN 12
WINDOW (-32, -24)-(32, 24)
LINE (-32, 0)-(32, 0), 15
LINE (0, -24)-(0, 24), 15
c = 1
FOR r = 4 TO 20 STEP 4
  CIRCLE (0, 0), r, c
  c = c + 1
NEXT
SLEEP
SCREEN 0
```



آیا می توانید برنامه ای در دستگاه مختصات معمولی بنویسید که شکل برنامه فوق را رسم کند؟

سوال و نکته : تفاوت دو برنامه زیر چیست؟ چرا؟

```
SCREEN 12
WINDOW (-32, -24)-(32, 24)
CIRCLE (0, 0), 10, 1
```

```
SCREEN 12
WINDOW (-320, -240)-(320, 240)
CIRCLE (0, 0), 10, 1
```

از این نوع دستگاه مختصات در فیزیک زیاد استفاده می شود، مثلاً اگر برنامه گویلا و یا منظومه شمسی می خواهید بنویسید، بهتر است که از این نوع دستگاه مختصات استفاده کنید. در این نوع دستگاه مختصات، سه بعدی سازی، دوران و انجام محاسبات مربوط به برنامه نویسی گرافیکی ساده تر انجام می شود.

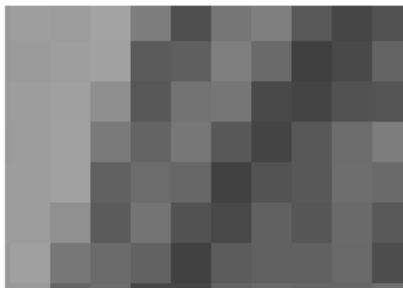
البته دستور window کارهای دیگری هم انجام می دهد که مطرح کردن آن در این مقال نمی گنجد.



## قسمت اول

## ← نوشته‌ی: آقای آزرین

همان طور که بزرگان گفته‌اند اندر رایانه هر تصویر از تقاطعی به نام پیکسل درست شده و نیز در یک مستطیل قرار دارد. بزرگان این مستطیل را به جدولی مانده کرده‌اند که هر خانه‌اش به رنگی است؛ بوقلمون صفت! یا چون پر طاووس از نگاه عده‌ای دیگر. به منظور پرده برداشتن از این راز کهن و کشف زوایا و خفایای آن، به همراه تنی چند از ماجراجویان و پیش‌کسوتان امور رایانه و باستان‌شناسی ایضاً قدم در ره کسب معرفت گذاشته و به دیار سرسبز اردبیل شتافتیم؛ تا اندر تصویر بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (رحمه ...) به جستجوی پیکسل‌های ناپیدا همت گماریم. تماشا کنید:



همین طور که می‌بینید پس از بزرگنمایی تصویر به کمک ابزارهای نجومی منجمله اسطرلاب، مربع‌هایی که در دید اول دیده نمی‌شوند ظاهر می‌گردند. یا به گفته‌ی عزیز: "پیکسل‌هایش تامسون هستند!"<sup>۱</sup> قدم به درون عمارت که گذاشتیم، جز مقادیر زیادی تاریکی چیزی ندیدیم که ندیدیم. یادم نمی‌آید چه شد که حضرت رایانه شناس همراه ما لب به سخن گشود و اندر باب تاریکی و روشنی و سیاهی و سپیدی و رنگی به افاضه‌ی فضل پرداخت، و ما نیز فارغ از شنیدن فضل‌ها برای بینایی‌مان چاره‌اندیشی می‌کردیم.

<sup>۱</sup> علی‌خدا بخش اصل تهرانی

کم کم که چشمانمان به تاریکی درون عمارت روشن می‌شد و در حال به افاضات حضرت آقا گوش جان سپرده بودیم، به نظرمان آمد که انگار بنده‌ی خدا دارد حرف حساب می‌زند و گل ...

خلاصه‌ی مطلب، گل لگد نکرده‌ی حضرت رایانه که با لهجه‌ی غلیظ کرمانی، - دقیق‌تر بخواهید **سیرجونی** - خودش قبل از پرسیدن ما درباره‌اش توضیح داد، این بود که: "آقا! درسته که تصویر از کلی پیکسل دُرُس شده، ها؟ اما ولی داره. اونم اینه که .." درست در همین لحظه که تازه چشمان مبارک به تاریکی عمارت خو و چانه‌ی حضرت رایانه به سخن گرم گرفته بودند، دوست باستان‌شناسمان که با او از دوران کودکی ماجراها دارم (یادم باشد برایت تعریف کنم)، اشاره به تابلویی کرد و بی‌درنگ به اظهار نظر در باب شیخ صفی و آل صفویه پرداخت و من هم درنگ را جایز ندانسته، دوربین از نیم بیرون کشیده و به هنرنمایی از نوع حرفه‌ای پرداختم، با لنز و مخلفات. و آن عکس را تحت عنوان سوغاتی فقط و فقط به خاطر شخص شخیص شما از اردبیل تا تهران کشان‌کشان حمل نموده‌ام. واقعاً که دستم درد نکنه!

بفرمایید، ناقابله؛ برگ سبزی است ...



ناگهان احساس کردم به حضرت رایانه حال گل لگد کردن بدی دست داده و الان است که ... که با تدبیر بی‌بدیل اینجانب بحمد ... ماجرا به خیر گذشت. چکیده‌ی سخنرانی ایشان این بود که "اولاً هر پیکسل رنگ مشخصی داره، و ثانیاً هر رنگ ترکیب مشخصی داره. هر رنگ از ترکیب سه رنگ اصلی نور یعنی سبز و آبی و قرمز با مقدارهای مختلف تشکیل می‌شه." خود شما هم می‌تونید این پدیده رو با هزار و یک نرم‌افزار گرافیکی موجود در بازار تست کنی.

خُب دیگه، برای امشب بسه؛ بقیه‌ی ماجرا بمونه برای شبای دیگه... شب بخیر. یا حق.

## ← نوشته‌ی : سیاوش آذرکشسب

Primary Dos  
Partition  
C:\

Extended Dos Partition  
(Logical Dos Partition(s) in extended dos  
partition (D:\ E:\ F:\...))

در دو قسمت قبل با مطالب زیر آشنا شدید:

۱. پارتیشن

۲. نحوه‌ی وارد شدن به محیط Fdisk

۳. دیدن اطلاعات پارتیشن‌ها

۴. پاک کردن پارتیشن‌ها

۵. و در این قسمت می‌خواهیم با آخرین قسمت یعنی ساخت آنها

آشنا شویم.

### نحوه‌ی ساخت:

برای ساخت پارتیشن‌ها باید به ترتیب زیر عمل کنیم:

۱. ساخت پارتیشن اولیه (Primary Dos Partition)

۲. ساخت پارتیشن افزوده (Extended Dos Partition)

۳. ساخت پارتیشن‌های منطقی (Logical Dos Partition)

حالا وارد محیط Fdisk شوید. گزینه‌ی اول را انتخاب کنید.

## 1. Create Dos Partition or Logical Dos drive

وقتی وارد این گزینه شدید با ۳ قسمت مواجه می‌شوید:

1. Create Primary DOS Partition
2. Create Extended DOS Partition
3. Create Logical DOS Drive(s) in the Extended DOS Partition

### اولیش:

وقتی که کامپیوتر شما هیچ پارتیشنی ندارد، ابتدا از این قسمت وارد می‌شوید. فرض کنید که می‌خواهید یک هارد ۴۰ گیگابایتی را پارتیشن‌بندی کنید. بدین منظور پس از انجام دادن مراحل بالا، صفحه‌ای جلوی رویتان می‌آید که از شما می‌پرسد که آیا می‌خواهید کل هارد خود را به یک پارتیشن اختصاص دهید یا خیر. طبیعتاً شما و بسیاری دیگر قصد چنین کاری را ندارید. چرا که این کار نقص‌های بسیاری دارد که در شماره‌ی چهارم رایانا در مورد آن بحث کردیم. پس با وارد کردن حرف N از این کار صرف نظر کنید. حالا کمی صبر کنید تا بشه ۱۰۰٪. حالا باید ظرفیت پارتیشن اولیه یا Primary DOS Partition را مشخص کنید. این کار را به دو صورت می‌توانید انجام دهید:

۱. با وارد کردن مقدار فضای پارتیشن: در ابتدا فضای کل هارد به واحد مگابایت وارد شده (یعنی اگر به هارد ۴۰ گیگابایتی دارید نوشته ۴۰۰۰۰ | البته نوشته ۳۹/.. که صحبت در مورد آن در این مقال نمی‌گنجد). مثلاً اگر شما می‌خواهید یک پارتیشن ۱۰ گیگابایتی داشته باشید باید عدد ۱۰۰۰۰ را وارد کنید.

۲. با وارد کردن درصد: در روش بالا اگر بخواهید کل هارد را به چند قسمت کاملاً مساوی تقسیم کنید به دلایل فنی این کار انجام نمی‌شود. ولی اگر میزان درصد اشغالی آن پارتیشن را بنویسید این کار دقیق انجام می‌شود. مثلاً اگر





بخواهید همان هارد ۴۰ گیگابایتی را به ۴ قسمت مساوی تقسیم کنید بهتر است وارد کنید : ۲۵٪ تا اینکه بنویسید : ۱۰۰۰۰ تا کارتان دقیق‌تر در بیاید.

حالا پارتیشن اولیه ساخته شد. Esc را بزنید. می‌توانید برای دیدن اطلاعات پارتیشن ساخته شده عدد ۴ را در صفحه‌ی اولیه‌ی Fdisk بزنید. لازم به ذکر است که پارتیشن اولیه همیشه با علامت \:C نشان داده می‌شود. در این مرحله یک پیغام اون زیر می‌یاد که می‌گه پارتیشن بوت (Boot) رو انتخاب کنید (پارتیشن بوت پارتیشنی است که با آن کامپیوتر راه‌اندازی می‌شود). برای این کار در صفحه‌ی اول Fdisk گزینه‌ی ۲ را انتخاب کنید و در کادر آن عدد یک را به عنوان پارتیشن اولیه انتخاب کنید تا کامپیوترتان همیشه از درایو C بالا بیاید.

### دومیش:

برای ساخت Extended DOS Partition کافی است دومین گزینه‌ی صفحه‌ی ساخت پارتیشن را انتخاب کنید و یه کمی صبر کنید. سپس باید ظرفیت پارتیشن افزوده را معلوم کنید که اون ظرفیت چیزی نیست جز همونی که اونجا نوشته (گفتیم که پارتیشن افزوده همه‌ی هارد به غیر از پارتیشن اولیه می‌باشد. اونجا هم ظرفیت باقیمانده را نوشته). اگر ظرفیت را کمتر از اون چیزی که نوشته در نظر بگیرید اون وقت مقداری از فضای هاردتون ضایع و بی‌استفاده می‌فته. خب حالا پارتیشن افزوده هم ساخته شد.

### سومیش:

با زدن سومین گزینه از صفحه‌ی ساخت پارتیشن می‌تونید پارتیشن‌های منطقی خود که با علامت \:D ، \:E و ... نشان داده می‌شوند را بسازید. نحوه‌ی ساخت این پارتیشن‌ها هم به همان طریق است، فقط ظرفیت را درست و خوب‌تر است که با درصد وارد کنید. همچنین قبل از اجرای Fdisk حتماً ظرفیت پارتیشن‌های خود را چک کنید. بدین ترتیب پارتیشن‌های خود را ساخته‌اید. پس از اجرای این عملیات حتماً کامپیوترتان را دوباره راه‌اندازی کنید و سپس برای فرمت کردن پارتیشن‌هایتان اقدام کنید. برای این کار وقتی خط پرامپت ظاهر شد اینو می‌نویسید:

Format ( اسم درایو مورد نظر )

format c:

به طور مثال:

حالا فرمت کردن چی کار می‌کند یک بحث دیگه است که ... ولی شما باید این کار را انجام دهید. همچنین یه برنامه‌ی تحت ویندوزی هم به نام Partition Magic برای کارهای پیشرفته‌ی پارتیشن‌ها وجود دارد که اگه اونو دلم خواست بعداً براتون توضیح می‌دم. پس تا آن موقع ...





## بابا ویروسا، دمتون گرم

### ← نوشته‌ی: سید مهران خلدی

تذکر ۱: منظوم ویروس سرماخوردگی نیست.

تذکر ۲: تعریف‌های همیشگی (که آی ویروس إله و بله) را کاری نداریم.

ویروس در واقع یک برنامه‌ی ناز و اکثراً کوچولو است (عین همین برنامه‌هایی که خودتون با QBasic می‌نویسید). فقط با دو فرق بزرگ:

۱. ویروس‌نویس‌ها از شما (البته از بعضی‌هاتون) ماهرترن.

۲. آگه ویروس خیلی توپی هم باشه، حجمش خیلی کمه (البته نه نسبت به مینی برنامه‌ها) مثلاً از پنج شش بایت تا ۱ کیلوبایت. خیلی گنده‌هاش ۴ کیلوبایت.

وقتی که شما چیزی می‌نویسید، کامپیوتر (که نمی‌فهمد چی کار می‌کند) آن را به عنوان یک برنامه از سوی کاربر می‌پذیرد. مثلاً اگر شما دستوری بنویسید که `*.exe` را پاک کند این برنامه به نوعی یک مخرب است. ولی کامپیوتر (که قبلاً گفتیم نمی‌فهمد) این دستور را به عنوان یک مخرب نمی‌پذیرد، بلکه آن را به حساب دستور کاربر می‌گیرد و آن را با افتخار می‌پذیرد و تمام فایه‌های `exe` را پاک می‌کند. اگر نپذیرد نیز خیلی بد می‌شود، زیرا:

۱. آن وقت ویروس‌سازها اموراتشان نمی‌گذرد.

۲. بعضی از برنامه‌ها که با این قبیل دستورها سر و کار دارند حقیقتاً ضایع می‌شود.

### ← چند تا ویروس تپل:

۱ - Konkoor: با خودش کاری ندارم ولی پیغامش بحاله:

What was the first Iranian virus?

1. Abbas???
2. Roohi
3. TDD.Konkoor v1.0
4. None of above

که اگر گزینه‌ی ۳ را انتخاب کنید، خوشا به حالتون وگرنه ...

۲ - AntiCMOS (قابل توجه آقایان جهانگیر و ترابخانی):

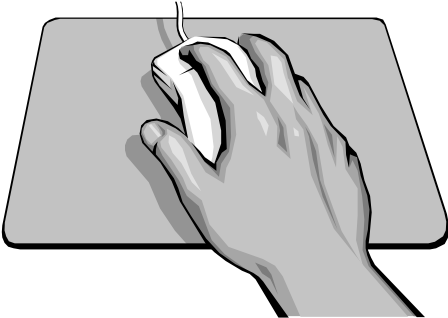
این ویروس (به‌غیر از کارهایی که ذکر نشده) بعضی مواقع CMOS Ram را دست‌کاری می‌کند که

اصولاً سبب به هم ریختن سیستم از لحاظ کنترل سخت‌افزار می‌شود.

آنتی‌ویروس‌ها از این خطرات (تا حد امکان) جلوگیری می‌کنند. البته در مورد AntiCmos توجه داشته

باشید که می‌تونیم بگوییم که هیچ ویروسی مستقیماً به سخت‌افزار صدمه نمی‌زند. بلکه حداکثر کاری که

می‌تواند انجام دهد این است که با به هم ریختن نرم افزار کنترل‌کننده‌ی سخت‌افزار کمی در کارش اختلال ایجاد کند.



← چند تا Antivirus باحال:

۱. مجموعه‌ی Toolkit
۲. McAfee
۳. Panda
۴. Imen (که ایرانیه)
۵. Virus Killer

← با این حال به نکات زیر توجه کنید:

- از کسی که نمی‌شناسید E-mail نگیرید.
- یه ویروس‌یاب برای هنگام استفاده از اینترنت فعال باشد.
- Attachment ها را با یک Antivirus چک کنید.
- قبل از اجرای هر برنامه‌ای که می‌گیرید آن را چک کنید.

پاسخ جدول شماره‌ی قبل

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
و	ه	آ	ی	ی	ر	ت	آ	ی	ی	۱
ی	ی	ر	س	د	م	م	ر	م	ر	۲
ی	ر	و	ر	ک	ی	ک	آ	ک	ت	۳
چ	ی	ا	ا	ت	ک	ک	س	ی	ی	۴
ن	ا	ج	ر	ی	و	ا	ا	د	د	۵
ی	ی	ی	ی	ی	ن	ی	ه	ا	ی	۶
ن	ک	ر	ر	ر	ر	ی	و	ی	و	۷
ی	ن	ا	ک	ی	پ	م	ه	ا	ا	۸
ب	ی	د	ی	ت	ا	س	ر	ی	ر	۹
ی	ک	ی	ا	م	س	ا	پ	ا	ی	۱۰



## این شماره: یه بز مثل گوسفند مدام نمی‌خوره!

اشاره: همان طور که می‌دانید آقای X بعد از دو قسمت نوشتن داستان‌های یه گله بز، در اقدامی سوال‌گر انگیز، رایانا را تعریف کرده و دیگر حاضر به نوشتن بقیه قسمت‌ها نشد. از آنجا که داستان‌های یه گله بز واقعاً آبروی مجله رایانا بود (از آن زمان تا کنون مسئولین رایانا در فکر استخدام فرد جدیدی برای ادامه دادن این داستان‌ها بودند. بالاخره از این شماره این تلاش‌ها نتیجه داد و میرزا تقی خان اشپلیوس قول داد بقیه این سلسله داستان‌ها را بنویسد. این شخص نام واقعی‌اش پیر دیگری است (آفه کدوم مادری تو این دوره نمونه اسم بچه‌ش رو اشپلیوس میذاره؟!))، اما بنا به دلایل امنیتی نمی‌توانیم نام واقعی او را بگوییم. چون می‌ترسیم دشمنان رایانا، این شخص را هم مثل آقای X از همکاری با رایانا بازدارند.

### ← نوشته‌ی: میرزا تقی خان اشپلیوس

خوابم نمی‌برد. مثل همیشه شروع کردم به بز شمردن. یه بز از روی رودخونه پرید اونور. دو بز از روی رودخونه پریدند اونور. یه بز از روی پل رد شد رفت اونور. یه بز با شنا رفت اونور. یه بز با قایق رفت اونور. یه بز با یه بسته علف و یه گرگ می‌خواستند برند اون طرف. اول بز و علف رو می‌بریم اونور؛ بز رو بر می‌گردونیم با گرگ می‌بریم اونور؛ بز رو می‌ذاریم گرگ رو با علف بر می‌گردونیم سر جاش. حالا یه بز دیگه هم رفته اون ور. دو تا بز هم با همدیگه می‌پرند اون ور. تو این وسط یه گوسفند برعکس همه پرید این ور. فکر کنم می‌خواست بسته علف رو بخوره که گرگ خوردش. عجب صحنه چندش آوری بود. آخه گوسفند گوسفند! تو که علف رو دیدی گرگ رو ندیدی. البته کاری نمی‌شد کرد. خب گوسفند بود دیگه. گوسفند هم برای دو منظور آفریده شده: اول مسخره شدن توسط بزها؛ دوم خوردن علف و سوم هم خورده شدن توسط گرگها. گرگ می‌خواست بیاد این ور رودخونه و به اون یه گله بزی که این ور رودخونه بودند حمله کنه که موقع پریدن دمش گیر کرد به سنگ و



گله پر از خنده شد

گرگ دمش کنده شد

داشت کم کم خوابم می‌برد که تلفن زنگ زد. یکی از رفقای بزم بود که می‌گفت فردا امتحان تاریخ داریم. ساعت ۱۱ بود. اگر از همین حالا شروع می‌کردم تا ساعت ۲ طول می‌کشید. شش فصل برای امتحان می‌اومد. سه فصل اول برای سلسله همزیستان (مربوط به زمانی می‌شد که بزها فکر می‌کردند می‌تونند با گوسفندها به

صورت هم‌زیستی و مسالمت‌آمیز زندگی کنند) و سه فصل دوم مربوط به سلسله هم‌لیستان می‌شد (اینم مربوطه به زمانیه که بزها په لیست جامعی از جونورای احمق و گوسفند را جمع کردند و همه به این نتیجه رسیدند که نسل این موجودات را از روی علفزار بردارند). تا ساعت ۲ هرجوری بود خوندم و بعدش هم با اولین بز که از روی رودخونه پرید، خوابم برد.

زنگ اول که تاریخ داشتیم، فهمیدم این نارفیق بز گوسفند صفتم خالی بسته. مسخره! بی‌مزه! نر! سر کلاس که نمی‌شد ولی زنگ تفریح با یک حرکت سم پای عقبم زدم زیر چشمش و آخر سر هم برای اینکه دلم خنک بشه بهش گفتم شاخم به ریش (برای شماها که می‌دونم از فرهنگ چند صد هزار ساله بزها بی‌خبرید باید بگم این جمله یکی از فحش‌های باستانی بزهاست که زیاد بی‌ادبی نیست ولی طرف رو له می‌کنه).

خبر رسیده جمع اندکی افاضه فرمودند و گفتند این داستان چه ربطی داره به کامپیوتر. من چیزی ندارم بگم جز اینکه گوسفند همه جا پیدا می‌شه. شما هم بدونید هرگونه اعتراضی به داستان‌های یه گله بز بع بی‌بیش نیست. تا دفعه بعد هیچ‌کی هیچ‌کاری نکنه تا خودم بگم.

## معرفی نرم افزار جستجوی سریع، دقیق، کامل و پیشرفته با نرم افزار Copernic

← نوشته‌ی: سیاوش آذرگشسب - تایپیست؛ کامیار محمدزاده



موتورهای جستجوگری مانند یاهو یا گوگل غیر هوشمند هستند یعنی این که آنها از بانک اطلاعاتی خود برای پیدا کردن سایت استفاده می‌کنند و اگر در بانک اطلاعاتی‌شان، یک سایت وجود نداشته باشد در نتایج Search نیز هیچ وقت نمایش داده نخواهد شد. Copernic نرم‌افزاری است که برای جستجو در وب کاربرد دارد، ولی خصوصیتی جالب دارد و آن این است که نتایج جستجوی حدود ۷ تا از موتورهای بزرگ جستجوگر را در بر می‌گیرد و در نتایج جستجوی خود مطالب کامل و جامعی دارد. در کل می‌توان گفت این نرم‌افزار به بهترین نحو برایتان اینترنت را می‌گردد. این نرم‌افزار امکانات بسیار زیادی برای شما فراهم می‌آورد. برای دریافت این نرم‌افزار می‌توانید به سایت زیر مراجعه کنید:

[www.copernic.com](http://www.copernic.com)

← نوشته‌ی: آرش بدیع مدیری، حسام سعد، نیما مجتهدزاده، سید حامد مقیمی

این کارسوق سه مرحله داشت:

- جذاب
- گیگیلی
- نا جذاب



(که ماهیت هیچ کدام معلوم نخواهد شد. لطفاً مزاحم نشوید!!)

ابتدا گروه‌ها به صورت  $int(\text{rnd} * 3) + 1$  انتخاب شدند (البته یکی از کلاس‌ها که اول اسم آن  $2/4$  بود به علت استقبال بیش از حد استقلال یافتند) و سپس:

۱. کلاس استاد عسکرپور (نفس):

در وصف این کلاس چه می‌توان گفتندی جز کشف فنون تازه مثل  $\frac{150000km}{6400km}$  یعنی حذف دو واحد با هم!

۲. کلاس استاد عابدی (نفس):

سفرهای بشر دوستانه در راه پیدایش حیات (اعم از بز) در سیارات دوردست (ربطش به کامپیوتر اینه که ما سفینه نداشتیم).

### پارازیت

- افطار: که در آن بچه‌ها سعی در خفه سازی خود داشتند.
- مراسم باشکوه "بشین پاشو": که توسط نفس الانفاس استاد گرام و برجسته میبدی صورت گرفت (حدود  $\pi^{999999999}$  بار تکرار شد!).
- مراسم کپ زنان: نیازی به توضیح نیست.

۳. کلاس نفس الانفاس استاد گرام و برجسته مستر میبدی (نفس):

کلاسی پر از انواع بولدورز در طرح و رنگ‌های مختلف که تا نصفه شب بر و بجز را پای کامپیوترهای در پیت سایت بیدار نگه داشت (اگه الان نگیم تا ۴۰ سال دیگه هم عوض شون نمی‌کنن).



۴. کلاس خواب

آموزش تضمینی در ۱ شب  
توسط مستر حسینی  
مقط با یک پتو

همان طور که انتظار می‌رفت به علت احتمال تواضع (جمع توطئه) و تبانی‌ها خواب به چشم این خبرنگار دلسوز نیامد.

## ← از اخبار بشن:

وقتی همه در خواب ناز بودند، عده‌ای خرابکار (که به طور کاملاً اتفاقی از اعضای سابق الارتفاع<sup>۳</sup> بودند) قصد توطئه داشتند (نمی‌گیم خبرنگار هم جزءشون بوده). این گروه پس از مدتی توسط مستر حسینی منهدم شدند و یکی از اعضاء به جرم دست داشتن در حادثه ۱۱ سپتامبر به حیاط تبعید شد. پس از مدتی خبرنگار، کس دیگری از اعضاء را به دنبال او فرستاد، ولی او هم برنگشت (end هیجان) و خودش نیز به دنبال آنها رفت و آنها را در اتاق مستر میبیدی یافت.

## ← اخبار سخن:

به گزارش خبرنگار ما در علامه حلی:

### ۱. شیر پاره:

مراسم پاره کردن شیرها در حضور استاد اعظم مستر حنیفی انجام شد که حاکی از رفتار خشن و ضد حقوق بشر خبرنگار ما بود. مستر حسینی شیر مشمایی‌ها را در هوا روی دیگ گرفته و خبرنگار با بی‌رحمی تمام با چاقویی شیکم آنان را می‌درید<sup>۴</sup> و شیرها را به داخل دیگ شیر کاکا<sup>۵</sup> می‌ریختند.

۲. مراسم سحری: کره و پنیرها مال دیشب بود و ما ناچار به میل اون‌ها بودیم.

۳. قسمت اصلی: تماشای ماه گرفتگی و یخ زدن (تا حدی که پتوی اختصاصی لازم شد).

۴. مستر ... نام این نفس اعلام نمی‌شود ولی داستانش به شرح ذیل است:

کفتری دیدیم در بام بلا	لیزری انداختیم تو عینها
کفترک از جای خود جمی نخورد	ضایع گشتیم ما همه لیزر فشانان غم مخور
مستر خوب سه نقطه رفت بر بام بلا	کفترک را در کفان خود گرفت کردش رها
مستر خوب سه نقطه دست‌ها بالا گرفت	شکر کرد پروردگار خوب ما
کین نمرده کفترک از سوز صبح	کرده صوابی و نکرده او کباب
ناگهان از ترس خشکش زد چنان	احتمال شبهی او با عموم الجازبه شد چنچنان (!)
کفترک چند تخم در بالین بداشت	بقیه‌ش رو خودتون میدونید لازم نیست بگیریم

۵. چرت: ZZZZZZZZZZZ

۶. رد کن بره: رد کن بره بازی هیجان انگیزی است که ...

و روز از نو روزی از نو ...

با تشکر از امیر محمد مسعودی به خاطر همکاری صادقانه

<sup>۱</sup> داداش القاعده

<sup>۲</sup> نظر روانشناس: این فرد دچار مالیخولیای مزمن شده



اشاره: این فبرها را خود بچه‌های کلاس‌ها در روزهایی که برای کار در رایانا اعلام شده، در سایت نوشته‌اند. اگر می‌بینید از بعضی کلاس‌ها فبره چاپ نشده به این دلیل است که بچه‌های بچه‌ها آن کلاس‌ها نیامده‌اند فبره‌های کلاستان را بنویسند. در این شماره رکورد دست کلاس ۱/۱ است، با سه فبر.

## ماجرای کلاس ۱/۱

← نوشته‌ی: محمد همایونی

### آقای فرخی وارد می‌شوند!

صبح روز شنبه بود. صدای در آمد. مردی که به ظاهر خوش اخلاق به نظر می‌آمد وارد کلاس شد. بچه‌ها که خوشحال شده بودند همه از جا پریدند. مرد با لحنی عجیب گفت: "من سام فرخی هستم. حالا درس را شروع می‌کنیم". بعد ادامه داد: "کیف‌هایتان را باز کنید و یک عدد ورق کلاسور روی میز بگذارید که کوییز داریم". همه‌ی بچه‌ها از تعجب نزدیک بود شاخ در بیاورند. یکی از آنها به نام محمد... از جایش بلند شد و گفت: "این چه وضعیه ... ما شنیده بودیم شما زیاد کوییز می‌گیرید، ولی نمی‌دانستیم هنوز درس نداده از ما کوییز می‌گیرید!". آقای فرخی که از شدت عصبانیت کانه سماور جوش آورده بودند، محمد را با یک ضربه‌ی سیلی و آردنگی بیرون انداختند. محمد بیچاره که دیده بود در اولین روز مدرسه شخصیتش خرد شده بود، (به به!) چه گریه و ناله‌ای می‌کرد (البته این که گفتم به به! فکر نکنین که من از این اتفاق خوشم آمد، بلکه خیلی ناراحت شدم). خلاصه بگم، بالاخره آقای فرخی کوییز را گرفت و آن پسر (محمد) کوییزش را نداد و نمره‌اش صفر شد. اگر چه با آن وضعیت کوییز گرفتن آقا، ما هم نمره‌ای از او بهتر نگرفتیم، ولی پیش آقا بد نام نشدیم.



### شیوه‌های تدریس استاد فرخی

← نوشته‌ی جمعی از پایه‌خاران از جمله: عباس ثابتی، علیرضا محمودی

**کوییز:** مهم‌ترین کاری که استاد در کلاس‌های خود دارند، گرفتن چند کوییز است که وقت آنها فقط به نوشتن متن سؤال می‌گذرد.

**کوییزهای سرکاری:** استاد بعضی وقت‌ها برای یادگیری بهتر بچه‌ها در کلاس، تعدادی کوییز سرکاری از بچه‌ها می‌گیرند که در پایان وقت، نه تنها کوییز را از بچه‌ها نمی‌گیرند، بلکه جواب کوییز خود را نیز به بچه‌ها نمی‌دهند.

**روش ساکت کردن استاد:** روش ساکت کردن بچه‌ها در سایت یا کلاس، بر همگان واضح و مبرهن است: پرتاب هر چیزی که جلوی دست استاد باشد. این عمل که در بیشتر کلاس‌ها از استاد سر می‌زند، به علت این است که استاد یک دوره‌ی پرتاب دیسک هم دیده‌اند. برای این که استاد فنون پرتاب دیسک را فراموش نکنند، این بهانه‌ی مناسبی است.



### توجه!

#### ← نوشته‌ی: عماد احمدی

چند تا خبر مهم هست که باید خدمت بچه‌ها برسونم!  
خبر اول این هست که چه قدر آقای فرخی از ما کوییز می‌گیرند؟ چه حرکتیه؟ نه شما بگید! ما امنیت جانی نداریم! آخه یعنی چی که مانیتور رو خاموش نکردی یکهو تخته پاک‌کن می‌آد تو کله‌ت؟!  
خبر بعدی مون هم این هست که آقا این آزمایشگاه شیمی رو درست کنید و از این حالت مخروبه در آورید! یک روز سوسک، یک روز مارمولک ... اصلاً تو این مدرسه امنیت جانی نداریم!  
آخرین خبر هم که الان بهتون می‌گم: از قرار معلوم توی شماره‌ی قبل رایانا، این مجله‌ی بین المللی، نوشته بود که اگر اول‌ها خوب کار کنند و دندان‌هایشان را مسواک بزنند می‌گذاریم تو رایانا کار کنند که این عمل واقعاً زشت و ناپسند بوده است!



### تصمیم آقای شهشانی

#### ← نوشته‌ی: سیناحاجی زاده و محمد رضا کریمی

آقای شهشانی پس از تصمیمی مهم می‌خواهند از دانش‌آموزان بنده خدا روزی حداقل دو کوئیز بگیرند (بدبخت شدیم). ضمناً ایشان روزی چند دانش آموز بدبخت را که مهم‌ترین آنها آقایان (ع) و (ک) است به روی زمین می‌نشانند (!). در ضمن ایشان در ترم جدید در کلاسشان از روش جدید گروه‌بندی استفاده می‌کنند که خیلی هم به درد بخور است.



### از ۱/۴ چه خبر؟

#### ← نوشته‌ی: سید مهران خلدی

#### کمبود جا در کلاس ۱/۴

به گزارش منابع موثق (یا شاید هم غیر موثق) کلاس ۱/۴ به دلیل ۲۵ نفره بودنش، هر جلسه مجبور است یکی از گروه‌ها را در سایت ۳ نفره کند (آخی).

### کوئیز یا ناکوئیز: مسئله این است!

به گزارش همان منبع قبلی، آقای یعقوبی (معلم کامپیوتر ۱/۴) یکی از کوئیزها را نگرفت و جواب آن را داد! چون که کوئیز به نظر بچه‌ها بسیار سخت بود و باید از دستور **Goto** که بچه‌ها تازه یاد گرفته بودند استفاده می‌کردند. یکی نیست بگه آخه **Goto** هم شد دستور سخت؟



### اخبار پایه دوم

← نوشته‌ی: امیر عزتی

#### سوپر کوئیز ناغلا!

شاید این بیات‌ترین خبری باشد که تا به حال در رایانا خوانده‌اید. به هر حال این بلایی بود که در یک دوشنبه‌ی پاییزی بر سر دوم‌ها آمد. اول‌ها! نوبت شما هم خواهد رسید! ولی انصافاً اگر کامپیوتر بلد باشین حتماً از بیست بیشتر می‌شین (امتحان از بیست و دو بود).

#### ترک کلاس!

یکی از معلم‌ها که در اواخر ترم اول تصمیم به ترک کلاس گرفته بود، پس از دیدن نتایج سوپر کوئیز از این تصمیم صرف نظر کرد ( ما که نمی‌گیم استاد جهانگیر بودند!).

#### برنده‌ی + دار

استاد سیاحتگر فرموده‌اند: اگر تیم فوتبال ۲/۱ برنده شود (اول شود) به هر نفر یک + می‌دهم و به بازی‌کنان نفری سه + می‌دهم.



### اندر احوالات ۲/۴

← نوشته‌ی: سینا سحر خیز، نیما مجتهدزاده

#### نفرین بزرگ

کلاس ۲/۴ تنها کلاس در پایه دوم بود که هر دو تیمش در بازی‌های حلی- لیگ یادواره شهدای راه بیسیک - طعم شکست را چشیده بودند. به همین دلیل تمام آنها عقده‌ای شده و حریفانشان را نفرین کردند و چون در میان آنها یک عدد جن درجه یک وجود داشت، نفرین ۲/۴ گریبان این حریفان را گرفت و ول نکرد (تا باختند)! تا آنها باشند ۲/۴ را نبرند! به گفته یکی از انفاس، هر کلاسی که جهانشاه سرور و سالار آن باشد مجبور به شکست و خواری خواهد شد، همانند ۱/۴ سال پیش و ۲/۴ امسال.





## تشکیل دو حزب 3D و Publisher

یکی از انفاس ۲/۴ که معلم درس ICDL می‌باشد، پس از تمام کردن Power Point تصمیم به شروع Publisher گرفت، اما شاگردان کلاس ایشان از این تصمیم ناراضی شده و تصمیم به تحریم Publisher گرفته و خواستار آموزش 3D Max شدند. این معلم عزیز تصمیم به رأی‌گیری گرفته و در طی این رأی‌گیری 3D Max یان برنده شدند، اما این معلم دیکتاتور نپذیرفت و قول داد که بعد از Publisher به آموزش 3D Max بپردازد.



## Who is Khanoom Doctor?!!

### ← نوشته‌ی: عده‌ای معلوم الحال

روز ۸ مهر بود. آیت الکامپیوتر، استاد جهانگیر، وارد کلاس شدند. کمی درباره درس کامپیوتر (و از همین چیزهای خوب خوب) با ما سخن گفتندی. در سخن‌های ایشان قسمی بود که جدا ز دگر اقسام سخن‌هایشان بودی. این اسخان مبنی بر این بودندی که شخصی در عهد جاری صاحب کلاس ۲/۴ بودندی که همراه با این کلاس هر روز به محل الطبّ خویش یا به عبارتی مطبّ خود رفتندی و برگشتندی. استاد این شخص را خانوم دکتر معرفی کردندی که بنا بر اطلاعات به دست آمده از سید الرعایا والفناگیل فی بایه الثانی علامه حلی، تا دو ماه پیش در قید حیات بودی. بنا بر منابع موثق روزی ز روزهای خزان، دو تن ز طلبّ (سانسور) ۲/۴ عکس‌هایی ز شخص مذکور فی کلاس الای‌سی‌دی‌ال یافتندی. بنا به روایتی این دو تن با أسماء زلیخاه و زنبورکش، این تصاویر را در `D:\ProgramFiles\MicrosoftOffice\OFFICE11\SAMPLES` یافتندی و از آن در اسلاید خود استفاده کردندی. از سرنوشت خانوم دکتر اطلاعاتی در دست نیست، اما بنا بر گزارش عده‌ای ز طلبّ، احتمالاً شخصی با نام رئیس الرؤسای السّایت، استاد قلی‌زاده، خانوم دکتر را در سایت کامپیوتر بکشته و باقیمانده جسد او را از سایت پاک کردندی. اما بنا بر گزارش کثیر جاسوسان، این خبر توسط خود شخص مذکور و دیگر انفاس فی المدرسه تکذیب گردیدی.



### اخبار پایه سوم

### ← نوشته‌ی: ... (همون سردبیر)

#### شبکه دستی!

شنیده شده در یکی از جلسات کامپیوتر کلاس ۳/۱ که به علت مشکلات شبکه، سایت آموزشی ویژوال بیسیک از کار افتاده بود، معلم این کلاس (آقای شهشهانی) اقدام به ریختن سایت آموزشی روی یک حافظه‌ی قابل حمل (cool disk) کردند و با وصل کردن آن به پورت USB کامپیوترها، سایت را

روی تک تک کامپیوترها ریختند (بالاخره تکنولوژی بروز کامپیوترهای جدید (اوووه!!) به یه دردمون خورد!)

### تولد اتفاقی

خبردار شدیم یکی از بچه‌های کلاس ۳/۲ (رامین جلالی) که به طور کاملاً اتفاقی تولدش با یکی از زنگ‌های کامپیوتر مصادف شده بود، شیرینی تولدش را در آن جلسه کامپیوتر پخش کرد (حالا به ما چه؟!).

### مراسم شوکولات خوری

شنیده شده همان کسی که این خبر را نوشته، در آخرین جلسه کامپیوتر راهنمایی در هنگام امتحان کامپیوتر بین بچه‌ها شوکولات پخش کرده است. تحقیقات نشان داده‌اند که وقتی بچه‌ها این شکلات‌ها را خوردند درصد کارشان حدود ۹۷ درصد کاهش پیدا کرده است. این دانش‌آموز به علت مسموم کردن بچه‌ها هم اکنون تحت تعقیب است.



## اخبار ویژه رایانا

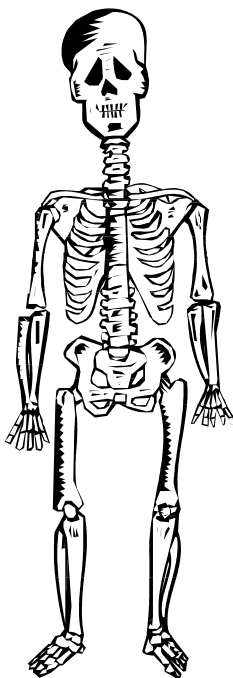
### قوی‌ترین چانه‌ی دنیا

به گزارش خبرگزاری رایاناپرس، در یکی از روزهای بهاری که تعدادی از بچه‌ها در حیاط مشغول فوتبال بازی کردن بودند، مدیر مسؤول رایانا در یک اقدام تعجب‌برانگیز تصمیم به بازی کردن گرفت. بازی به خوبی و خوشی داشت ادامه پیدا می‌کرد که ناگهان چانه‌ی این مدیر مسؤول به کله‌ی یکی از اعضای هیأت تحریریه برخورد کرد. این مدیر مسؤول به سرعت از بازی بیرون رفت و مشغول مداوای چانه‌ی خود شد. در همین هیر و ویر مشخص شد که کله‌ی آن عضو هیأت تحریریه ترک برداشته است. این شخص - که اسمش مسعود بود - با کله‌ی خونی به دفتر آمد و بازی هم کنسل شد. مدیر مسؤول در این گیر و دار به طرز ماهرانهای فرار را برقرار ترجیح داد و تا چند روز در مدرسه آفتابی نشد. گفتنی است این برای اولین بار در تاریخ بود که یک نفر توانسته بود با چانه‌اش سر کسی را بشکند (بابا رضازاده!).

بعد الواقعة: کله‌ی آن بنده خدا سه تا بخیه خورد.

نتیجه‌ی اخلاقی: مدیران مسؤول نشریات بهتر است به ورزش‌های ساده‌تر و کم‌خطرتر بپردازند.

نتیجه‌ی مدیریتی: اگر با معلمین فوتبال بازی می‌کنید، وقتی توپ زیر پای معلمین است، زیاد به آنها نزدیک نشوید.



### کیفیت، توی پیت

همان طور که حتماً متوجه شده‌اید، کیفیت چاپ شماره‌ی پیش رایانا زیر صفر بود. این مشکل از آنجا ناشی شد که شماره‌های قبل را بچه‌های رایانا خودشان می‌چاپیدند، اما از شماره پیش تصمیم گرفتند این امر خطیر را به مدرسه بسپارند و نتیجه این شد که دیدید. بعد از این واقعه، مدیر مسؤول رایانا طی یک اقدام انقلابی، مسؤولین چاپخانه مدرسه را تهدید کرد که اگر این فاجعه یک بار دیگر تکرار شود، آن وقت اگر پشت گوشتان را دیدید، رایانا را هم خواهید دید. همچنین ایشان اضافه کردند در صورت تکرار این ماجرا در شماره‌های آتی، از این به بعد رایانا را در مدرسه‌ی علامه‌حلی آرژانتین چاپ خواهند نمود. گفتنی است مدیر مدرسه علامه حلی آرژانتین از کسانی است که به شدت به رایانا علاقه‌مند است و حتی یک بار یک میلیون دلار به مدیر مسؤول رایانا داده است تا آن را در مدرسه خودشان چاپ کنند، اما این مدیر مسؤول ناز که اصلاً به فکر مادیات نیست این پیشنهاد را قبول نکرده و فرموده است من فقط برای وطنم کار می‌کنم (بابا مخلص فداکار!).

### رایانا اینجا، رایانا اون جا، رایانا همه جا

شنیده شده خروجی برنامه سوال آخر سوپر کوئیز ترم اول کلاس‌های دوم این جمله بوده:

rayana doosset darim!

مجله رایانا از دست‌اندرکاران طرح سوالات امتحان پایه دوم تشکر کرده و همین جا روی ماه آنان را می‌بوسد.

### رایانا گاهنامه می‌شود

بعضی افراد که خیال می‌کردند رایانا مجله‌ای ماهنامه است، مرتب از ما می‌پرسیدند که این رایانا پس چی شد؟ خدمت این عزیزان رایانا دوست عارضیم که اولاً مجله‌ی رایانا گاهنامه است، یعنی هر وقت دلمان خواست آن را چاپ می‌کنیم. ثانیاً هر کسی از وضع موجود ناراحت است برود یک مجله‌ی دیگر بخرد. فکر کردید مجله روی دستمان باد می‌کند؟ ما هر چی زیاد بیاد، می‌فرستیم آرژانتین. آنجا هم در عرض سیم ثانیه همه‌اش را می‌خرند.

### سایت رایانا

اگر قول بدهید این خبر را جایی نگویید، بهتان می‌گوییم که با همت آقای قلی‌زاده، سایت رایانا در حال آماده‌سازی است. اگر بتوانیم فضا بگیریم، رایانا هم سایت‌دار می‌شود.

### کارسوق و تورنومنت دوم‌ها

مژده به دومی‌ها! قرار است در این ترم یک کارسوق و یک تورنومنت ویژه‌ی پایه دوم برگزار شود. به توضیحات بیشتر در بخش‌های بعدی خبر توجه بفرمایید. چه کسی گفته این خبر به رایانا ربط دارد؟

### شماره ویژه عید نوروز

اگر این دومی‌های بی‌حال یک کمی به خودشان بیایند و از این زندگی نکبت‌بار دست بردارند، درصددیم برای عید نوروز یک شماره ویژه منتشر کنیم. تا چه پیش آید.

### آقای آزین وارد می‌شوند

بالاخره بعد از تلاش‌های شبانه‌روزی و طاقت‌فرسای هیأت تحریریه، آقای آزین راضی شدند تا با این مجله‌ی به گل نشسته (رایانا) همکاری کنند. حاصل این همکاری را در این شماره ملاحظه می‌کنید.



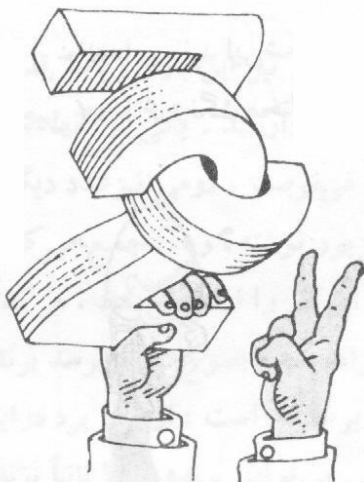
← طراح: سید پارسا میر دهقان - آقای نبی زاده

**افتی:**

- ۱) حجیم تر از سی دی - توپ‌ترین شهر خاورمیانه (به دلایلی زیاد به گوشتان خورده است)
- ۲) یکی کمتر از دوازده - مسکین بود، واحد پول ژاپن رو ارزش گرفتیم
- ۳) در همه جای تهران است - سومی‌ها زیاد با آن سر و کار دارند
- ۴) پلاتر - خشک نشده
- ۵) دومی‌ها با آن سر و کار دارند
- ۶) سافتش بزرگترین شرکت کامپیوتری است - به زکریای رازی گفتند اهل کجایی؟ گفت:...
- ۷) دست همه داره - حروف شماره زوج کشمکش را بردارید
- ۸) شهر پدری طراحان جدول این شماره - پدرش نیست
- ۹) با مخلصیم برابر است
- ۱۰) سلطان‌ها - داستان‌های یه گله‌اش معروف است

**تهدوی:**

- ۱) فریاد - هم دین
- ۲) می گن...ش استاده - نول نبوده و به ریخته
- ۳) یدک - دکل ترکی
- ۴) ... به یر - سمی که از بدن دفع می‌شود
- ۵) روش پر نیست - جواب این قسمت "مکط"
- هست (خدا وکیلی این یکی رو دیگه نتونستیم براش شرح جور کنیم)
- ۶) کشوری چسبیده به عربستان - یادش رو روی تنه درخت حک نکنید
- ۷) قسمتی از دیسک - کیش
- ۸) ...، دو ورم، سه ورم - مار کوچولو
- ۹) بعضی‌ها صبح‌ها می‌کنند
- ۱۰) جانور وحشی - نزدیکش نشوید، جیزه! - سدی در جنوب ایران



## جدول

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
			☞						۱
	☞				☞		☞		۲
☞						☞			۳
	☞			☞					۴
								☞	۵
		☞		☞					۶
			☞		☞		☞		۷
☞						☞			۸
	☞							☞	۹
		☞							۱۰

اگر توانستید جدول را حل کنید، پاسخ آن را حداکثر تا نیمه اسفند ماه به سپاوش آذرگشسپ کلاس (۱/۳) بدهید تا جایزه اش را بگیرد.

ولی روی دیگر صحبت من با سومی هاست. می خواستم به اونها هم یک نصیحتی کنم. چون امسال کنکور دبیرستان دارید، بیایید و بچسبید به درس و مشقتون، خوب درس بخونید و علافی را سه چهار ماهی کنار بگذارید. آخر امسال سال سرنوشت سازی برای همتونه، حواستون رو جمع کنید، چون اگر به کم غفلت کنید، ممکن است به قیمت نرفتن به دبیرستان براتون تموم بشه و تا آخر عمرتون حسرت همین روزها رو بخورید. پس امسال رو خوب بخونید و کنکور بدید تا تابستون ۸۴ براتون تابستونی بشه که هیچ وقت از یادتون نره، نه تابستونی که همش حسرت باشه و تا آخر عمر یک خاطره بد رو به یاد داشته باشید. پس از همین الان شروع کنید... یا علی!



صاحب امتیاز:

گروه کامپیوتر مرکز آموزش

علامه حلی (۱) تهران

\*\*\*\*\*

مدیر مسؤول: آقای نی‌زاده

مشاور: آقای جهانگیر

سردبیر: سیاوش آذرگشسب

\*\*\*\*\*

هیأت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

✓ عماد احمدی

✓ امین اقرلو

✓ آرش بدیع مدیری

✓ عباس ثابتی

✓ سینا حاجی‌زاده

✓ سید مه‌ران خلدی

✓ رضا روستا

✓ سینا سرخیز

✓ حسام سعد

✓ امیر عزتی

✓ سپهر قاضی‌نظامی

✓ محمدرضا کریمی

✓ نیما مجتهدزاده

✓ کامیار محمدزاده

✓ علیرضا محمودی

✓ سید حامد مقیمی

✓ سید پارسا میردق‌قان

✓ محمد همایونی

طراحی لوگو: سیاوش آذرگشسب

\*\*\*\*\*

با تشکر از آقایان شهشهانی،

آزین، عباسی و قلی‌زاده

rayana\_mag@yahoo.com



سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

سلام... رهبر جمله‌ای دارد برای جوان‌ها با این مضمون که: «من جوان‌ها را به ۳ چیز سفارش می‌کنم: تهذیب، تحصیل و ورزش». خود من هر چقدر سنم بیشتر می‌شود، می‌بینم که این سه، در کنار هم برای هر جوان ایرانی لازمند. شماها اشتباه من و خیلی‌های دیگر از فارغ‌التحصیلان علامه حلی را تکرار نکنید که همه‌ی وقت‌مان را روی تحصیل گذاشتیم. استدلال من این بود که فعلاً درس از همه چیز واجب‌تر است. ورزش را با این حساب که برای من لازم نیست کنار گذاشتم و تهذیب و خودسازی را برای زمانی گذاشتم که درس تمام شود و یا لا اقل سبک‌تر شود. اما هر چه زمان می‌گذشت، درس کم کم نمی‌شد هیچی، زیادت‌تر هم می‌شد. الان به شدت افسوس می‌خورم که چرا تنها به یک بعد زندگی توجه داشته‌ام. اگر در کنار درس وقت کافی و ثابتی را به عبادت و خودسازی اختصاص داده بودم، الان این شکلی نبودم (!). همچنین اگر ورزش را هم جدی دنبال کرده بودم، الان خیلی سالم‌تر و سرحال‌تر بودم. از قدیم هم گفته‌اند عقل سالم در بدن سالم است.

همه‌ی اینها را گفتم، برای این که شما اشتباه ما را تکرار نکنید: زندگی همه‌اش درس نیست. در کنار درس حتماً یک وقت ثابت برای عبادت و ورزش بگذارید. نگویید فعلاً درس‌هایم سنگین است و نمی‌رسم. این دو مقوله درست به اندازه درس اهمیت دارند و لازم است به هر دویشان در کنار درس بپردازید. چاره‌ی کار هم فقط در برنامه‌ریزی است. حتماً برای خودتان برنامه هفتگی داشته باشید و در آن این سه کار (درس خواندن، عبادت و ورزش) را بگنجانید. خلاصه‌ی کلام این که کسی که فقط درس می‌خواند، یک انسان تک بعدی است که بعدها هم به درد جامعه نخواهد خورد.

◀ در این قسمت روی سخنم با دومی‌ها است. خیلی جدی به شما بگویم که اگر بخواهید کار رایانا را مثل این چند ماهه سرسری بگیرید، ما هم این مجله را تعطیل می‌کنیم. شماها خجالت نمی‌کشید؟ آنقدر تنبلی کردید که باز این سردبیر بنده خدا مجبور شد خودش بیاید و کار این شماره را تمام کند. اما دیگر برای شماره بعد از این خبرها نیست، چون سومی‌ها باید بچسبند به درس و کنکورشان. بنابراین اگر همت کردید و شماره بعد را چاپ کردید، مجله سرپا می‌ماند، وگرنه خداحافظ ما و شما. (متحول شدید یا نه؟ زندگی کثیف‌تان را اصلاح کردید؟!)

◀ هر کس مقاله، سرگرمی، داستان، طنز، خبر یا چیز دیگری دارد که به درد چاپ توی رایانا می‌خورد، می‌تواند در یکی از روزهایی که اتاق باز دایر است یا سایت برای رایانا باز است، مطلبش را بیاورد و روی اکانت رایانا در آدرس زیر بریزد یا همان جا توی سایت مطلبش را تایپ کند و در اکانت رایانا ذخیره کند: \\heli-server\home\rayana\rayana\shomare7\

◀ از دوستانی که برای این شماره مطلب داده بودند (رضا روستا، امین اقرلو، فواد صمدنژاد، سینا حاجی‌زاده، سپهر قاضی‌نظامی و سید حامد مقیمی) و مطلبشان جا نشد، عذرخواهی می‌کنیم. با این که تعداد صفحات این شماره را ۴ صفحه زیاد کردیم، اما باز خیلی از مطالب (مثل: اندر احوالات بزرگان، معرفی سایت و ...) جا نشد. انشاء... در ویژه‌نامه عید تمام این مطالب را چاپ می‌کنیم.

◀ و آخر این که لوگوی جدید مجله و همچنین کارهای این شماره کار سردبیر است. این آدم بی‌کار دوست دارد برای هر شماره ظاهر و نمای مجله را عوض کند. ما هم که جرأت نداریم رو حرف سردبیر حرف بزنیم. فعلاً...

مدیر مسؤول  
nabyzade@yahoo.com